

# توفان

الکترونیکی

بهمن ماه ۱۳۸۶ فوریه ۲۰۰۸ شماره ۱۸

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

## بهمن

یادآور بزرگمردان انقلاب و نام آوران تاریخ درص ۱۰



تصرف پادگان تهران ۲۱ بهمن ۱۳۵۷

انتخابات قلابی مجلس هشتم را تحریم کنید! ص ۱۵  
جنبش دانشجویی موجی نیست که آرام گیرد  
ورود گارد ویژه به دانشگاه و سرکوب دانشجویان  
درص ۲



در این شماره می خوانید:

شیر بی یال و دم واشکمی بنام قانون کار ص ۵  
سقوط دیوار صهیونیستی برلین ص ۱۳، ۱۴  
اطلاعیه حزب درمورد قتل ابراهیم لطف الهی ص ۴  
فراخوان بمناسبت پنجمین سالگرد اشغال عراق ص ۹

## **جنبش دانشجویی موجی نیست که آرام گیرد** ورود گارد ویژه به دانشگاه نشانه ضعف رژیم است

دانشجویان مبارز که سالهاست برای دموکراسی و آزادی و در یک کلام برای کسب حقوق دموکراتیک به میدان آمده اند بدون هراس از زندان و شکنجه و تهدید و ارباب به پیکار خود ادامه می دهند و رژیم را به ستوه در آورده اند. در ادامه همین اعتراضات از روز جمعه گذشته تا شب یکشنبه تجمعاتی در کوی دانشگاه تهران برگزار گردید که سرانجام برای سرکوب قطعی و منفرد کردن دانشجویان گارد ویژه را که یادآور گارد ضد شورش شاهنشاهی است به میدان دانشگاه فرستادند. سایت خبری امیر کبیر روز دوشنبه ۸ بهمن ماه در مورد اعتراضات چند روز اخیر در کوی دانشگاه چنین آورده است:

"در حالی که مسئولین دانشگاه تهران اعلام کرده اند به خواسته های صنفی دانشجویان کوی دانشگاه رسیدگی خواهند کرد، اعتراضات دانشجویان برای سومین شب متوالی در محوطه کوی دانشگاه ادامه یافت.

به گزارش خبرنگار امیرکبیر ساعت ۷:۳۰ یکشنبه شب، ۷ بهمن ماه، در حدود ۵۰۰ نفر از دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران با تجمع در محوطه کوی به اعتراضات خود پیرامون مطالبات صنفی و سیاسی خود ادامه دادند. دانشجویان ابتدا با خواندن شعار «یار دبستانی» و سر دادن شعارهایی همچون «رئیس بی لیاقت استعفا استعفا»، «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد» و... به راهپیمایی در صحن کوی پرداخته و به تدریج مقابل درب دانشکده فنی کوی جمع شدند. این در حالی بود که دقایقی پس از آغاز تجمع دانشجویان نیروی انتظامی و گارد ضد شورش به همراه مامورین لباس شخصی در خیابان امیرآباد مستقر شده بودند. تعداد نیروهای پلیس ضد شورش بیش از هفتاد نفر بود که با تعداد زیادی خودرو از جمله دو اتوبوس، چهار مینی بوس و یک خودروی کورکننده آنتن تلفن همراه، در اطراف کوی دانشگاه مستقر شدند. نیروی انتظامی به طرف دانشجویان تجمع کننده داخل کوی اقدام به سنگ پراکنی کردند که دانشجویان نیز در اقدامی متقابل به طرف مامورین نیروی انتظامی مستقر در خیابان سنگ پرتاب می کردند. نیروهای گارد ویژه همچنین در اقدامی تحریک آمیز در پاسخ به شعارهای دانشجویان بر علیه نیروی انتظامی دانشجویان را «هو» می کردند و نیروهای گارد در خیابان امیرآباد مقابل خوابگاه دانشجویان رژه می رفتند. پس از آن که جمعیت دانشجویان تجمع کننده مقابل درب فنی به بیش از ۷۰۰ نفر رسیده بود، اقدامات تحریک آمیز نیروی انتظامی و فشار جمعیت موجب شکسته شدن درب فنی و خارج شدن دانشجویان از کوی شد. دانشجویان درحالی که شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر می دادند چند متر وارد خیابان شدند. در پی این حرکت دانشجویان، گارد ویژه در اقدامی بی سابقه با حمله به طرف دانشجویان، آن ها را تا داخل کوی تعقیب و دانشجویان تجمع کننده را مورد ضرب و شتم قرار داد. در پی ضرب و شتم دانشجویان حدود ۱۸ نفر از دانشجویان جراحاتی در ناحیه سر، صورت، پا و دست برداشتند. گارد ویژه همچنین در داخل کوی اقدام به دستگیری ۵-۴ نفر از دانشجویان نمود. پس از این حرکت، نیروهای گارد از کوی خارج شده و به داخل خیابان باز گشتند. دانشجویان نیز با انتقال مجروحین به داخل نمازخانه، همچنان به تجمع و سر دادن شعار در محوطه کوی ادامه دادند. جمعیت دانشجویان در ساعت ۱۰ شب به بیش از ۱۰۰۰ نفر رسیده بود و دانشجویان شعارهای تند سیاسی بر علیه مسئولین نظام سر می دادند. دانشجویان از داخل کوی و پشت بام ساختمان خوابگاه های کوی اقدام به پرتاب سنگ و مواد آتش زا به داخل خیابان کردند. گارد ضد شورش در مقابل این حرکت به حالت نشسته درآمده و سپرهای خود را روی سر خود گرفته بود، تا سنگ و مواد آتش زا به آن ها آسیبی نرساند. اما با این وجود چند نفر از مامورین نیروی انتظامی مجروح و با آمبولانس به بیمارستان منتقل شدند. به گزارش خبرنگار امیرکبیر تجمع دانشجویان تا دقایقی مانده به نیمه شب ادامه داشت و در چند نوبت پس از تجمع دانشجویان مقابل درب ها، مامورین نیروی انتظامی با حمله به سمت دانشجویان آن ها را از پشت درب های کوی متفرق می کردند. دانشجویان شعار می دادند «دانشجو می میرد، ذلت نمی پذیرد»، «زنجان بی عرضه، برو برگرد به حوزه» و... "در حالی که جو رعب و وحشت در میان دانشجویان ساکن کوی از حمله شبانه نیروهای لباس شخصی به کوی حاکم شده، همانند اتفاقی که در ۱۸ تیر سال ۷۸ افتاد، معرضین به تجمع خود خاتمه داده و به اتاق های خود بازگشتند... حرکت اعتراضی دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران روز جمعه و در پی پایین بودن کیفیت غذا آغاز و این اعتراض به خیابان کشیده شد. همان روز قمصری، معاون دانشجویی دانشگاه تهران، با حضور در میان دانشجویان و انتقاد از کشیده شدن اعتراضات به خیابان قول پیگیری مطالبات صنفی دانشجویان را داد. دانشجویان روز شنبه نیز تجمع مشابهی را در کوی برگزار کردند."

مطالباتی که دانشجویان طرح کردند بدین شرح است :

۱. تهیه ی منشور حقوق صنفی دانشجویان
۲. بهبود وضعیت رفاهی کوی دانشگاه تهران
۳. بهبود غذای کوی

## ادامه اعتراضات دانشجویی..

۴. برقراری مجدد سرویس های ایاب و ذهاب دانشجویان از خوابگاه به دانشگاه و بر عکس که از اول امسال همراه با تفکیک این سرویس ها به سرویس دختران و پسران زمان آن نیز محدود شده بود. دانشجویان خواهان کار این سرویس ها از ساعت ۷ صبح تا ۷ بعد از ظهر برای پسران و تا ۱۰ شب برای دختران شدند

۵. آزادی دانشجویان سیاسی دربند

۶. توقف احضار فعالین دانشجویی سیاسی و صنفی به کمیته های انضباطی

اعتراضات چند روز اخیر دانشجویان که ابتدا برای تحقق حقوق صنفی و بهبود غذای کوی دانشگاه آغاز شد سریعاً با مطالبات سیاسی نظیر آزادی دانشجویان سیاسی دربند و شعارهای ضد حکومتی مرگ بر دیکتاتور پیوند خورد و رنگ سیاسی و ضد رژیم خود گرفت. چنین امری نشاندهنده آن است که فضای پر تلاطم جامعه دانشگاهی کاملاً سیاسی است و دانشجویان اعم از دانشجو و استاد سالهاست با دادن قربانیهای فراوان پرچم مبارزه علیه حکومت فاشیستی مذهبی را بر افراشته و خواسته های مشخص و اصولی خود را در مقابل رژیم ضد علم و دانش که دانشگاه را با پادگان و مکتبخانه عوضی گرفته، طرح کرده است. جدایی دین از آموزش و لغو قوانین تبعیض جنسیتی (آپارتاید جنسی)، کوتاه شدن دست نیروی انتظامی و ماموران امنیتی و چماق دار از دانشگاه، آزادی بیان و عقیده... و مطالبات طبیعی و انسانی می باشند که رژیم پس مانده جمهوری اسلامی قادر به پاسخگویی بدانها نیست و چاره ای جز سرکوب نمی بیند. روحانیت مرتجع که دشمن سوگند خورده علم و دانش است و مرگ خویش را در رشد فکری و علمی دانشجو می بیند از روی ترس و استیصال دست به مقاومت ارتجاعی می زند و با تکیه بر سرنیزه و همه امکانات امنیتی به سرکوب دانشجویان آزادیخواه و آینده سازان میهن می پردازد. هم اکنون دهها تن از دانشجویان در زندان بسر میبرند، بسیاری تحت شکنجه و تازیانه و تنی چند نیز توسط این جلادان بیرحم جان باخته اند که قتل ابراهیم لطف الهی در سندانج درماه گذشته یکی از این دهها نمونه هاست. طبق گزارش سایت خبری امیر کبیر " در چند هفته اخیر ۶۳ دانشجو به کمیته های انضباطی احضار شده اند (به علاوه آمار نامشخص احضارها در دانشگاه های اصفهان، امیرکبیر و...)، ۴۶ نفر از فعالین دانشجویی از تحصیل محروم شده اند، ۸۱ دانشجو بازداشت شده اند که جمع کثیری از آن ها همچنان در بازداشت به سر می برند."

اما علیرغم همه این بگیر و ببند ها، زندان و شکنجه دانشجویان و از سویی تهدید و ارعاب و آزار و اذیت خانواده های دانشجویان و... شعله مبارزه خاموش نگردید و دانشجویان سنگر به سنگر علیه مستبدان حاکم می رزمند و در اثر تداوم همین مبارزه است که این جنبش امروز از حمایت بسیاری از ائتلاف جامعه برخوردار گردیده است. اخیراً هنرمندان سرشناس، محبوب و مردمی نظیر جنتی عطایی، داریوش، ابی و گوگوش و دهها تن دیگر به حمایت از دانشجویان برخاسته و موج همدردی و همبستگی و دفاع از دانشجویان که درسنگردانشگاه برای آزادی و رهایی از بند ارتجاع می رزمند، گسترش یافته است. حزب کار ایران (توفان) نیز به سهم خود با انتشار بیانیه های فارسی و ترجمه آنها به چند زبان خارجی تلاش کرده است تا نظر جهانیان را به امر حمایت و همبستگی با دانشجویان و مردم ایران جلب کند. در همین رابطه بیانیه حزب در حمایت از دانشجویان ایران در ارگانه های احزاب برادر در اسپانیا، فرانسه، آلمان و اسکاتلند بنامی... انتشار یافته و احزاب و سازمانهای بین المللی انزجار خود را از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ابراز داشته و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان از زندان شده اند. به این حمایتها و همبستگی با دانشجویان باید ادامه داد و فشار را بر جمهوری اسلامی که هر روز جنایت می آفریند و دانشجویان را به غل و زنجیر میکشد، افزود و تا آزادی همه دانشجویان نمی نیاسود. لیکن همانطور که بارها تحلیل کرده ایم جنبش دانشجویی بدون تکیه به طبقه کارگر و با به میدان این طبقه به تنهایی قادر به کسب حقوق خود نیست و در یک جنگ نابرابر سرکوب و منفرد خواهد شد. برای تدام این مبارزه عاقلانه آن است که این جنبش فعالین خویش را حفظ کند و فعالین جنبش نیز با تلفیق کار مخفی و علنی و ایجاد هسته های مخفی در تداوم کار مبارزاتی جنبش دانشجویی کوشا باشند. برخورد به ایجاد هسته های مخفی باید با دید کمونیستی صورت گیرد لیکن این به آن مفهوم نیست که این هسته ها حتماً کمونیستی باشند بلکه بدین معناست که دورنما و هدف مبارزه را از نظر دور نداشته و بدانند که ایجاد این هسته ها نه برای ایجاد خانه های تیمی و بریدن از مردم و به انزوا کشیدن خویش و سرانجام قربانی شدن بدون نتایج دیرپا، بلکه برای آن است که در عین طبیعی ترین نوع زندگی در میان مردم و با مردم در صدد کسب حداکثر فایده با دادن حداقل قربانی باشند. باید از فعالیت کاملاً علنی و ماجراجویی خودداری کرده و تداوم کار مبارزه را تضمین نمود. جنبش دانشجویی باید با هوشیاری و خط کشی روشن با جریانات مشکوک و علنی گرا که بنام "چپ و کمونیست" به سمپاشی مشغولند و مشوق تجاوز امپریالیسم آمریکا به ایرانند و تلاش میکنند این جنبش را بخود بچسبانند، برزمد و برپاکیزگی مبارزه دموکراتیک، ضد امپریالیستی و عدالتخواهانه این جنبش که سنت دیرینه ای دارد تاکید ورزد. حزب ما بر منافع عام و اتحاد دموکراتیک این جنبش تاکید دارد و از مطالبات این جنبش عمیقاً پشتیبانی میکند. اینها از جمله مسائلی هستند که جنبش دانشجویی باید به آنها توجه کند. کمونیستهای مارکسیست لنینیست درون این جنبش باید به حزب طبقه کارگر ایران، حزب کار ایران (توفان) بپیوندند و از رهنمودهای این حزب در کار مبارزه خویش با دورنمای کمونیستی سودجویند.

**زنده باد پیوند جنبش دانشجویی با کارگران و زحمتکشان!**

**دست نیروی انتظامی و سازمان اطلاعات جهانی جمهوری اسلامی از دانشگاه کوتاه!**

**آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان دربند و همه زندانیان سیاسی!**

اطلاعیه حزب کارایران (توفان) بمناسبت قتل ابراهیم لطف الهی

## ابراهیم لطف الهی را خودکشی کردند



بر اساس اخبار رسیده از ایران ابراهیم لطف الهی دانشجوی رشته حقوق دانشگاه پیام نور سنندج از اهالی روستانی در نزدیکی شهر کامیاران، در زیر شکنجه بازجویان اداره اطلاعات سنندج کشته شده است.

بر اساس همین اطلاعات رسیده امیری معاون دادستان سنندج و مهدی مولاولی با نام مستعار «هاتفی» جانشین رئیس اطلاعات سنندج و مسئول گزینش وزارت اطلاعات در استان کردستان از مسئولین بازجویی این دانشجو بوده اند.

ابراهیم لطف الهی بعد از خروج از جلسه امتحان در روزیکشنبه ۱۶ دیماه ۱۳۸۶ بازداشت شده و در روز سه شنبه ۲۵ دیماه خیر خودکشی وی را به خانواده اش می دهند. جسد وی بدون اطلاع خانواده و بدون نظارت آنها دفن می شود. اینکه در درون قبر واقعا جسد ابراهیم لطف الهی نهفته است قابل بررسی نیست. همین اقدام عجولانه مسئولین رژیم جمهوری اسلامی در دفن جسد اسیری که در زندان آنها بسر می برده است حاکی از شکنجه وحشیانه ای است که به وی داده اند و برای سرپوش گذاردن بر این جنایت با ادعای خودکشی وی را دفن کرده اند.

در همه جای دنیا رسم بر این است که پزشک قانونی و مامورین انتظامات باید علت مرگ را تشخیص داده و تعیین کنند. هیچ کس را نمی شود بدون چنین اجازه قانونی دفن کرد. این یک روش شناخته و متمدنانه قضائی است برای آنکه هیچ قاتلی نتواند بر عمل قتل خویش با صحنه سازی سرپوش بگذارد.

این چندمین بار است که رژیم حاکم در ایران با این شگرد جدید و فریبکارانه مخالفین خویش را در زندانها در زیر شکنجه به قتل می رساند. همین توسل آشکار به روش دروغگویی و بزدلی و سرپوش گذاری بر قتل ابراهیم لطف الهی در زیر شکنجه و ادعای خودکشی وی دال بر آن است که این رژیم از اعتراضات جهانی هراس دارد و می خواهد راهی برای فرار خود بازگذارد و از آمار قربانیان خویش بکاهد. آنها با این روش این امکان را می یابند که قتل را خودکشی جلوه دهند. بیچاره ها نمی دانند که افزایش آمار خودکشی ها در زندانها، آنها را زندانیان سیاسی نقاب ریاکاری آنها را بیشتر می برد.

زندانیهای ایران، زندان ابوغریب و گوانتاناموست. زندانی سیاسی در ایران گروگان جمهوری اسلامی ایران است. حزب کار ایران (توفان) انزجار خویش را از این همه جنایتکاری و ریاکاری ابراز داشته و این روش ضد بشری را شدیداً محکوم می کند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی و سوسیالیسم!

**حزب کارایران (توفان)**

بهمن ماه هشتاد و شش

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

نشریه توفان ارگان مرکزی حزب کارایران شماره ۹۵ منتشر شد. این نشریه را بخوانید و بدست دیگران برسانید!

## شیر بی یال و دم و اشکمی بنام قانون کار

فلسفه وجودی قانون کار دفاع از نیروی کار به عنوان بزرگترین ثروت یک جامعه و تلاش برای بهبود زندگی طبقه کارگر است. نیروی کار سرمایه ای ملی است و دفاع از سرنوشت نیروی کار امری اجتماعی است. اینکه کارگران چگونه کار و زندگی می کنند فقط مسئله خود آنها نیست ، مسئله تمام جامعه است، مسئله فردی نیست ، مسئله اجتماعی است. حمایت از نیروی کار مولد و تامین بهترین شرایط برای رشد و شکوفائی آن باید اساس قانون کار باشد. قانون کار برای حمایت از کار و کارگر است. بحث در اینجا در مورد قانون کار در جامعه سرمایه داری است و طبیعتاً برای حفظ جامعه و ممانعت از اضمحلال آن باید طبقه کارگر متحد شده بر ضد بخشی از جامعه که حقوق وی را برسمیت نمی شناسد و آمادگی آنرا ندارد شرایط زندگی وی را بهبود بخشد تا مجموعه جامعه را از اضمحلال برهاند، برزمد. اساس قانون کار در جامعه سرمایه داری بر استثمار، اضافه تولید و سود است. اما کارگران در همین چهارچوب نظام سرمایه داری نیز برای بهبود شرایط زندگی خود قوانینی را بر سرمایه داران تحمیل میکنند تا شرایط زندگیشان تحمل پذیرتر گردد. قانون کار ضد استثماری تنها در جامعه سوسیالیستی متحقق خواهد شد.

تفکر سرمایه داری نیروی کار را کالائی می داند مثل سایر کالاها که عرضه و تقاضای بازار باید سرنوشت آن را تعیین کند و سرنوشت آنرا امری فردی می داند که ربطی به جامعه ندارد. آنها می گویند فروشنده مصلحت و منافع خود را در نظر می گیرد و خریدار مصلحت و منافع خود را ، معامله هم وقتی انجام می گیرد که فروشنده و خریدار به توافق برسند. از نظر آنها نیروی کار هم درست مثل شلغم و پیراهن و دوچرخه اگر خریداری پیدا کرد آنرا می خرد، در غیر این صورت مثل شلغم گندیده و پیراهن مندرس و دوچرخه قراضه دور انداخته می شود. آنها می گویند قانون کاری که مدافع نیروی کار باشد هم مانع سرمایه گذاری و جذب سرمایه خارجی است و هم در نهایت مانع اشتغال زائی است و طبعاً نباید چنین موانعی وجود داشته باشد. آنها از " آزادی " " توافق " کارگر و کارفرمائی حمایت می کنند که در واقع مبتنی بر بدترین نوع اجبار و تحمیل است. اجبار فقر و گرسنگی ، اجبار بی خانمانی ، اجبار نداشتن مخارج دارو و درمان ، اجبار نداشتن مخارج تحصیل فرزندان. در واقع توافق نیست بلکه تحمیل ننگ و فلاکت و نکبت و فاجعه به طبقه کارگر است. قانون کار باید انسان و نیروی کار او را در مرکز توجه قرار دهد و میان انسان و شلغم و پیراهن و دوچرخه تفاوت ماهوی قائل شود. کسانی که از " آزادی " کارگر در انتخاب گرسنگی و در بدری حرف می زنند در واقع مستبدین مدافع سرمایه هستند.

قانون کاری که باید محدود کننده سرمایه داران در غارت بی بند و بار زحمتکشانشان باشد با نادیده گرفتن حق تشکل آزاد و مستقل و حق اعتصاب و حق انعقاد قرار دادهای دسته جمعی ، به وسیله ای در دست آنان تبدیل شده تا به غارت بیشتر بپردازند. آنها حتی با کشیدن دندانها و قطع سر پنجه این شیر و تبدیل آن به موجودی ذلیل هم قانع نیستند بلکه در تلاشند آنرا به موش تبدیل کنند. آنها میخواهند کارگر منفرد و تنها را به کام گرگ سرمایه دار بفرستند. کارگر وقتی به تنهایی با سرمایه دار روبرو می شود ، قطعاً مظلوم واقع خواهد شد. سرمایه دار هرگز تنها نیست . او متکی به نیروی سرمایه و متکی به طبقه سرمایه دار است و حمایت سیاسی دستگاه حکومت را پشت سر دارد. اما کارگر ، اگر متشکل نباشد تنهای تنهاست و مجبور است برای زنده ماندن خود و خانواده اش تحت هر شرایطی نیروی کار و حتی هستی خود را بفروشد و توافق در این شرایط نابرابر بین کارگر و کارفرما فقط و فقط به نفع سرمایه دار تمام می شود و سرمایه دار می تواند او را به روز سیاه بنشانند.

طبقه کارگر ایران طی مبارزات خونین و قهرمانانه خود طی یکصد سال اخیر توانست بخشی از حقوق پایمال شده خود را در قالب قوانین و مقررات کار به کارفرمایان تحمیل کند.

محدودیت ساعات کار روزانه و هفتگی ، تامین اجتماعی و بیمه ، منع کار کودکان ، برقراری ضوابط ویژه برای کار و مرخصی زنان باردار ، تعیین حداقل دستمزد، الزام کارفرمایان به رعایت مقررات حفاظت و ایمنی فردی و جمعی و بهداشت در محیط کار ، حق تشکل صنفی و سندیکائی و قراردادهای جمعی ، طرح طبقه بندی مشاغل ، بازنشستگی ، مشخص بودن دوره پرداخت و محل پرداخت مزد و .. امتیازات اهدائی سرمایه داران و کارفرمایان به کارگران نبوده ، بلکه بخشی از حقوق زحمتکشانشان است که از حلقوم آنها بیرون کشیده شد.

بعد از انقلاب در سال ۱۳۵۹ اولین پیش نویس قانون کار اسلامی که توسط توکلی وزیر کار مرتجع و ضد کارگر منطبق با باب اجاره فقه اسلامی در جهت اجیر کردن کارگر و از بین بردن تمام دست آوردهای جنبش کارگری و سندیکائی گذشته ایران تنظیم شده بود چنان گستاخانه و وقیحانه همه محدودیت ها را از جلو سرمایه داران برداشته بود و دست آنان را در استثمار و ظلم نسبت به توده های میلیونی کارگران باز گذاشته و حتی تا نفی بیمه و تامین اجتماعی و بازنشستگی پیش رفته بود که موج گسترده ای از اعتراضات را برانگیخت و حتی بعد از سه بار اصلاح نتوانستند آن را به طبقه کارگر تحمیل کنند و بالاخره مجبور شدند آنرا در سال ۱۳۶۱ کاملاً کنار بگذارند.

قانون کار فعلی که پس از ۱۲ سال پیکار و مبارزه سرسختانه طبقه کارگر با حاکمیت سرمایه داری جمهوری اسلامی در ۲۹ آبان ۱۳۶۹ به تصویب رسید در واقع توافق بر سر حداقل ها از جانب طبقه کارگر ایران بود هر چند که همین حداقل ها هم بدون ضمانت اجرائی " که همان حق تشکل آزاد و حق اعتصاب و حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی باشد " ، همواره مورد تعرض و دستبرد و تجاوز سرمایه داران و کارفرماها قرار می گیرد.

در طی ۱۷ سال اخیر همواره چه در دوران " سازندگی " رفسنجانی و چه در دوران " اصلاحات " خاتمی و چه در دوره " عدالت گستری " احمدی نژاد تلاشهایی در جهت دستبرد و تجاوز به همین قانون کار حداقل ها صورت گرفته است که از جمله خارج کردن کارگاههای کمتر از پنج نفر و سپس ده نفر از شمول قانون کار و سپس در مجلس ششم که در خدمت اصلاح طلبان بود با تصویب ماده ۹۴ نظام صنفی قصد خارج ساختن بخش بزرگتری از کارگران را از شمول قانون کار داشتند

در چند سال اخیر تلاشهایی توسط دولت احمدی نژاد در جهت ایجاد امنیت کامل برای سرمایه و برداشتن موانع از پیش پای آنها برای غارت و چپاول بی در و پیکر طبقه کارگر تحت عنوان " بهبود محیط کسب و کار و حمایت از بخش غیر دولتی و " ساماندهی " بازار کار " آغاز کرده اند.

جهرمی وزیر کار رژیم در مصاحبه با خبرگزاری فارس ۱۸ آذر ماه ۸۶ می گوید: " ما یک حرکت بزرگ و اساسی در کشور در جهت بهبود محیط کسب و کار و حمایت از بخش غیر دولتی را آغاز کرده ایم. . . شالوده این اقدامات سازماندهی " بازار کار " و قوانین ناظر بر روابط کارگر و کارفرما را تشکیل می دهد. فرصت برای سرمایه گذاری ، اصلاحات در نظام بانک ها و صنعت بیمه ای و برنامه ریزی کشور، پیوستن به سازمان تجارت جهانی ، اصلاح خصوصی سازی بانکها و صنعت بیمه. "

وزارت کار با صراحت مطرح می کند با اتاق بازرگانی ، فعالین بخش خصوصی مشورت و رایزنی می کند.

بد نیست با نظرات این مشاورین وزارت کار هم آشنا شویم.

احمد بزرگیان نماینده سبزواری و عضو کمیسیون صنایع مجلس به خبرنگار ایلنا در رابطه با پیشنهادهای وزیر کار جهرمی در خصوص اصلاح برخی از مفاد قانون کار تحت عنوان رفع موانع سرمایه گذاری در ایران ، می گوید: " دکتر جهرمی وزیر کار در مورد اصلاح و تغییر چند ماده قانون کار موادی را پیشنهاد کرده که مهمترین آنها به نحوه قراردادها، تعیین دستمزدها و نحوه تنبیهات در محیط های کارگری می باشد. "

وی می گوید: " وزیر کار در خصوص اصلاح ماده ۲۷ قانون کار پیشنهادهای را مطرح کرده و با توجه به اینکه قانون کار فعلی دست کارفرمایان را بسته و شرایط به گونه ای است که کارفرما نمی تواند کارگری را که مرتکب خطا شده ، اخراج نماید زمانی که یک یا چند کارگر بی انضباط و خاطی محیط کار را متشنج می کنند ، آیا در چنین شرایطی می توان کار کرد و مدیریت را اعمال کرد؟ "

نماینده سبزواری و عضو کمیسیون مجلس می گوید: " باید برخورد لازم با کارگر خاطی صورت گرفته و کارفرمایان به هر دلیلی دستشان بسته نباشد و قانون به گونه ای باشد که مدیریت توان اداره واحد را داشته باشد. "



او در مورد اصلاحیه دستمزدها که از سوی شورای عالی کار پذیرفته شده می گوید: "اتفاق خاصی نیفتاده و صرفاً دستمزد کارگران قراردادی تا ۱۰ درصد کسر شده، ضمن آنکه با توافق کارگر و کارفرما، دستمزد این نوع کارگران تعیین می شود."

وی می گوید: "حقیقت آنستکه کارفرمایان با هزینه های سنگینی که دارند مجبور می شوند که برای کاهش آن کارگران قراردادی خود را جواب کنند. به هر حال توافق کارگر و کارفرما برای تعیین دستمزد قراردادی ها بهتر از بیکاری آنان است."

"بهروز هادی نوز" کارشناس اقتصادی با انتقاد از قانون کار اعلام می کند: "متأسفانه قانون کار یکی از موانع مهم ایجاد فرصت های شغلی در کشور بوده است."

مدیر گروه اقتصادی بانک جهانی در دفتر خاور میانه می گوید: "بهبود فضای کسب و کار در ایران بستگی به تصمیمات دولت در جهت رونق فضای یاد شده دارد"

"هادی موعتمنی" رئیس شورای بازرگانی ایرانیان مقیم امارات عربی متحده اجرای قانون کار در ایران را برای اقتصاد و سرمایه گذاری مناسب نمی داند و معتقد است: "قانون کار مربوط به زمانی است که هنوز بسیاری از صنایع و کارخانجات دولتی بوده اند."

در ۲۹ آبانماه ۸۶ ۱۳ در سالروز تصویب قانون کار تظاهرات گسترده ای توسط تشکلات زرد خانه کارگر و شوراهای اسلامی در شهرهای مختلف در اعتراض به تغییر قانون کار بر پا گردید که در واقع هدف گردانندگان آن با توجه به وابستگی خانه کارگر به باند رفسنجانی و عضویت در جبهه مشارکت اصلاح طلبان حکومتی، استفاده کردن از اهرم نارضایتی کارگران برای تحت فشار قرار دادن جناح احمدی نژاد بود و نه دفاع از حقوق حقه کارگران دولت احمدی نژاد که وابسته به همان باندی است که توکلی وزیر کار مرتجع و ضد کارگری نیز که اولین پیش نویس قانون کار اسلامی را تدوین کرده، از همان باند مافیائی می باشد، حتی وجود همین تشکلات زرد را هم تحمل نمی کنند و قصد انحلال آنها را دارند و از طرفی چون تمایل به عضویت در سازمان تجارت جهانی را دارند و آن سازمان نیز تابع مقررات سازمان جهانی کار و مقوله نامه های آن میباشد و سازمان جهانی کار نیز خانه کارگر و شوراهای را به عنوان تشکلات صنفی آزاد و مستقل نمی پذیرد، ضمینه مساعدی برای دولت احمدی نژاد فراهم شده که دست شوراهای اسلامی را نیز قطع کند، و چون بایده ظاهر تشکلات مستقل کارگری وجود داشته باشد که مورد تائید سازمان جهانی کار قرار بگیرد دولت احمدی نژاد با اختصاص ۵۰ میلیارد ریال اعتبار قصد سازماندهی تشکلاتی قلبی تحت عنوان تشکل های مستقل کارگری دارد و این امر منافع شوراهای اسلامی و خانه کارگر را به خطر می اندازد.

با این حال این تضادهای باندها و جناحهای مرتجع و ضدکارگری حکومتی شرایطی را فراهم کرد که بر بستر آن کارگران بتوانند نارضایتی و مخالفت خود را از اقدامات ضد کارگری رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بیان کنند.

نماینده کارگران کرمانشاه در مصاحبه با خبرنگار ایلنا می گوید: "کارفرمایان واحدهای تولیدی و صنعتی استان به کارگران اعلام کرده اند با دستمزد ۱۵۰ هزار تومانی موافقت و در صورت اعتراض کارگران، قرار داد آنها فسخ خواهد شد."

نماینده کارگران اهر در مصاحبه با خبرنگار ایلنا می گوید: "توافق کارگر و کارفرما، توافق "فیلم" و "کشک" است، زمانی که می گوئی توافق، یعنی این که کارگر به حداقل ها یعنی همان ۱۵۰ هزار تومان راضی باش و کارت را بکن."

نماینده کارگران سیستان و بلوچستان می گوید: "حذف ماده ۲۷ قانون کار که در قالب اصلاح این قانون صورت می پذیرد، با حمایت از کارفرمایان، اعتراض گسترده کارگری را در پی خواهد داشت."

او می افزاید: " دولتی که از ابتدا خود را به عنوان حامی افشار کم درآمد و آسیب پذیر در قالب شعار عدالت گسترده معرفی کرده زمینه را برای استثمار نیروی کار و تضییع حقوق کارگران فراهم کرده."

دبیر اجرائی خانه کارگر تبریز در مصاحبه با ایسنا در تاریخ ۲۰ آبان می گوید: " قراردادهای موقت کار در کارهایی با ماهیت مستمر و دائمی آن قدر رشد داشته است که بیش از ۸۰ درصد از کارگران حاضر در کارخانجات و در بدنه تولید را کارگران قرارداد موقت کار تشکیل می دهند. بنابراین با اهدافی که پشت پرده دنبال می شود باید قراردادهای موقت کار را برده داری نوین قرن ۲۱ محسوب کرد."

" حسن صادقی " رئیس سابق کانون عالی شوراها در مصاحبه با خبرنگار ایلنا می گوید: " می خواهند کارگران را به ورطه فقر و فلاکت بکشانند. " و اضافه می کند: " طرح رفع موانع تولید و سرمایه گذاری در راستای منافع سرمایه داران است."

روزنامه اعتماد در مورد تغییر قانون کار از قول جهرمی وزیر کار می نویسد: " بعضی ها انتظار تغییرات بیش از ۱۰۰ ماده ای از کل ۲۰۳ ماده قانون کار را دارند ولی ما در وزارت کار و امور اجتماعی با بررسی کارشناسی و کامل به این نتیجه رسیدیم که جز ۸ تا ۱۰ ماده قانون کار، دیگر مواد قانون کار نیاز به اصلاح ندارد."

یکی از محورهای اصلی طرح اصلاحی قانون کار در زمینه تسهیل اخراج و مربوط به ماده ۲۷ قانون کار می باشد. قانون در این ماده می گوید: هرگاه کارگری در انجام وظایف کوتاهی کند یا آئین نامه های انضباطی کارگاه را پس از تذکرات کتبی نقض کند، کارفرما حق دارد در صورت اعلام نظر مثبت شورای اسلامی کار علاوه بر مطالبات و حقوق معوقه به نسبت هر سال معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر را به عنوان سنوات به وی پرداخت و قرارداد را فسخ کند. در واحدهای فاقد شورای اسلامی کار، نظر مثبت انجمن صنفی کفایت می کند و در صورت عدم توافق هیئت تشخیص و در نهایت هیئت حل اختلاف نظر نهائی را خواهد داد و در این مدت، قرارداد کار معلق می شود.

در پیش نویس اصلاحی " نظر مثبت " شوراها، انجمن صنفی شورای حل اختلاف در اخراج کارگران را لغو کرده و می گوید: پس از حداقل دو بار تذکر کتبی در کمتر از ۱۵ روز، کارگر جدید جایگزین کند.

از موارد دیگر طرح اصلاحی ماده ۱۱۲ و ۴۱ قانون کار است.

بر اساس اصلاحات پیشنهادی در ماده ۴۱ قانون کار، کار آموزانی که در واحدهای اقتصادی فعالیت می کنند، ۷۰ درصد حداقل مزد تعیین شده توسط شورای عالی کار را دریافت خواهند کرد.

در ماده ۱۱۲ آمده است: " از لحاظ مقررات این قانون، کار آموز به کسانی اطلاق می شود که فقط برای فرا گرفتن حرفه خاص باز آموزی یا ارتقاء مهارت برای مدت معین در مراکز کار آموزی و یا آموزشگاههای آزاد آموزش می بینند. مدت کار آموزی سه سال و سن مورد نظر ۱۵ تا ۱۸ سال است."

در طرح اصلاحی پیشنهادی تبصره ۲ ماده ۱۱۲ آمده است: افرادی که به کار گمارده می شوند، باید مهارت انجام کار را که به تائید سازمان آموزش فنی و حرفه ای و مراجع قانونی دیگر رسیده است، داشته باشند. در این تبصره عبارت " بیشتر از ۱۸ سال نباشد " حذف شده است.

در واقع طبق اصلاح پیشنهادی مواد ۴۱ و ۱۱۲ می توان هر کارگری را به عنوان کار آموزی و یا باز آموزی در هر شرایط سنی و سوابق کاری به مدت سه سال با پرداخت ۷۰ درصد حداقل حقوق به بردگی کشید.

از موارد دیگر اصلاحی حق کارگران برای دارا بودن شورای اسلامی کار و انجمن صنفی یا نماینده کارگران را لغو می سازد و در مورد تعریف کارگاههای کوچک می گوید: از لحاظ تعداد کارگران یا میزان سرمایه گذاری و گردش



مالی سالیانه با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی با پیشنهاد شورای عالی کار و تصویب وزیر کار صورت می گیرد. هم اکنون کارگاههای کوچک کمتر از ۱۰ نفر بر اساس مصلحت موقت از شمول قانون کار خارج هستند که آئین نامه آن مصوب هیئت وزیران است.

همچنانکه ملاحظه میکنید در ابتدا با نفی تشکل های مستقل کارگری و حق اعتصاب و حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی در قانون کار ضمانت اجرائی آنها از بین می برند و سپس با خارج کردن کارگاههای کمتر از ده نفر از شمول قانون کار تمامی کارگران ساختمانی و کارگاههای قالی بافی و کوره پزخانه ها و ریخته گری ها و جوشکاری ها و مکانیکی ها و تراشکاریها و بلورسازی ها و کارگران نقاش و خیاط و نانوا و کفاش و سایر کارگران صنوف را و با گسترش قراردادهای موقت تقریباً تا بیش از ۸۰ درصد کارگران در صنایع بزرگ را از حمایت قانون کار محروم می کنند ، سپس به این هم راضی نیستند و با تغییرات پیشنهادی قصد دارند همان بخش ۲۰ درصدی کارگران را هم که مشمول این قانون میشوند به راحتی اخراج کنند و هر قراردادی را تحت عنوان توافق کارگر و کارفرما به آنها تحمیل کنند و حتی با پرداخت ۷۰ درصد حداقل حقوق تحت عنوان کار آموز و باز آموز آنها را به برده گی کامل بکشاند. این است مفهوم واقعی عدالت گستری در رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی.

قانون کار شیر بی یال و دم و اشکمی است که در خدمت سرمایه داران و کارفرماها و علیه طبقه کارگر میباشد.

طبقه کارگر ایران برای نجات از این وضعیت فلاکت بار و ظلم و جور بی حد و مرز به جز وحدت و تشکیلات چاره ای ندارد. باید با تمام قوا در جهت ایجاد و احیاء سندیکاهای مستقل و آزاد و واقعی کارگری اقدام نمود .

### در زمینه حقوق دموکراتیک:

- ۱- تضمین تساوی کامل همه شهروندان ایران صرف نظر از ملیت، زبان و جنسیت.
- ۲- آزادی انتخاب و تبلیغات همه مذاهب و آزادی تبلیغات ضد مذهبی .
- ۳- جدائی دین از دولت و تلقی دینداری به منزله امر خصوصی برای مردم.
- ۴- تساوی کامل حقوق زنان و مردان در تمام زمینه ها.
- ۵- برسمیت شناختن حقوق کودکان و تدوین قوانین در حمایت از آنان.
- ۶- تدوین و اجرای قانون کار بنفع کارگران و زحمتکشان جامعه سوسیالیستی.
- ۷- تدوین وظایف و حقوق اتباع کشور در مقابل دولت سوسیالیستی ونظارت ارگانهای منتخب مردمی بر اجرای آن.
- ۸- تدوین قوانین و اجرای آنها به نفع زنان باردار.
- ۹- پرداخت مزد، متناسب با درجه سختی کار در دوران گذار سوسیالیسم به کمونیسم.
- ۱۰- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن همگانی است مگر برای کسانیکه توسط دادگاه به محرومیت از حقوق انتخاباتی محکوم شده اند. هر کس حق دارد از سن ۱۸ سالگی بدون رعایت ملیت، مذهب، جنسیت، درجه معلومات، سکونت، اصل و نسب اجتماعی، وضع مادی، بصورت متساوی و مستقیم و مخفی انتخاب کند و یا انتخاب گردد.
- ۱۱- دولت پرولتری در اتحاد جماهیر سوسیالیستی ایران از نظر تحکیم جامعه سوسیا لیستی، آزادی بیان، قلم، گردهمایی و نمایشات، حق متشکل شدن در سازمانهای اجتماعی و حرفه ای نظیر کارگران، زنان، نویسندگان، هنرمندان، دانشجویان و .... مصونیت شخصی، مصونیت منزل و محرمانه بودن مکاتبات برسمیت می شناسد و تضمین می کند.
- ۱۲- دولت پرولتری در اتحاد جماهیر سوسیا لیستی ایران حق پناهندگی برای اتباع خارجی را که بخاطر حمایت از زحمتکشان، مبارزه ملی و یا فعالیت علمی تحت تعقیب مرتجعین قرار گرفته اند برسمیت می شناسد و تضمین می کند .
- ۱۳- دولت پرولتری در اتحاد جماهیر سوسیالیستی ایران در عین برسمیت شناختن این حقوق و تضمین آن وظایفی را از شهروندان جامعه سوسیالیستی می طلبد. بدین معنی که موظفند انطباط کار را رعایت کرده نسبت به وظایف اجتماعی خود صداقت داشته و قواعد زندگی و معیشت اجتماعی سوسیالیستی را محترم شمارند. مالکیت اجتماعی سوسیالیستی را محفوظ و مستحکم دارند و از میهن سوسیالیستی خویش صمیمانه چون امر مقدس دفاع کند

**برگرفته از برنامه و اساسنامه حزب کار ایران (توفان)**



## فراخوان

### به تظاهرات های ضد جنگ امپریالیستی بپیوندید!

بزودی پنجمین سالگرد اشغال نظامی عراق فرا میرسد. هفته ۱۵ تا ۲۲ مارس ۲۰۰۸ هفته اعتراضات جهانی علیه تجاوز امپریالیسم آمریکا و متحدینش به عراق است. در چنین هفته ای صد ها هزار مردم ترقی خواه و صلح دوست جهان و در رأس آن کمونیست ها دست به تظاهرات می زنند و انزجارشان را نسبت به امپریالیسم آمریکا و متحدین جنایتکارش ابراز می دارند. همبستگی و حمایت از جنبش حق طلبانه و ضد استعماری خلق قهرمان عراق هر روز گسترش می یابد.

حزب ما از مقاومت قهرمانانه خلق عراق قاطعانه پشتیبانی می نماید و از اعضاء و هواداران خود در هر کجایی که هستند می خواهد که با بسیج و همراه نیروهای ترقی خواه و صلح دوست در تظاهرات های ضد جنگ امپریالیستی شرکت جویند و از هیچ کوششی در تقویت جنبش همبستگی با خلقهای عراق، افغانستان و فلسطین که تحت اشغال مستقیم امپریالیست ها و صهیونیست ها قرار دارند، دریغ نورزند.

خروج بی قید و شرط امپریالیست آمریکا و متحدینش از خاک عراق و دفاع از جنبش مقاومت عراق خواست همه نیروهای انقلابی و کمونیست های سراسر جهان است. خروج بی قید و شرط امپریالیستها و همه متجاوزین از خاک افغانستان، محکوم کردن رژیم صهیونیستی اسرائیل و همبستگی با خلق فلسطین، محکوم کردن هر نوع تجاوز نظامی و تحریم اقتصادی علیه ایران شعارهای اساسی جنبش ضد جنگ تجاوزکارانه امپریالیستی است. با شرکت در این تظاهراتها و تقویت این جنبش مشقت محکمی بر دهان امپریالیستها و مزدورانشان بکوبیم. خود را برای شرکت در این تظاهراتهای جهانی آماده کنیم.

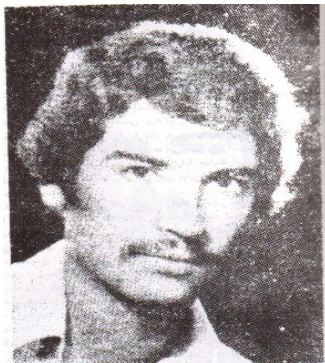
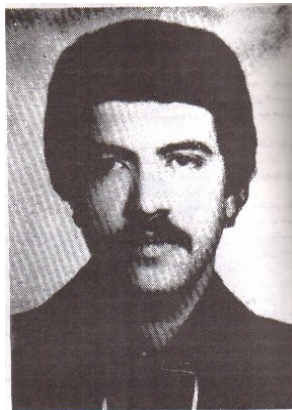
خروج بی قید و شرط قوای اشغال گر از خاک عراق و پرداخت غرامت به خلق عراق!  
 ننگ و نفرت بر رژیم تروریستی صهیونیستی اسرائیل! زنده باد خلق قهرمان فلسطین!  
 نه به تجاوز نظامی به ایران و نه به تحریم اقتصادی!  
 دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!

**حزب کار ایران (توفان)**

فوریه ۲۰۰۸

# بهمن

## یادآور بزرگمردان انقلاب و نام آوران تاریخ



**رفقا مهدی اقتدارمنش و محمد جواد عرفانیان دو رفیق حزبی که در ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ در راه پیروزی انقلاب جان باختند. یادشان گرامی باد!**

بهمن ماه در تاریخ جنبش کمونیستی ایران جایگاه ویژه ای دارد. این ماه یادآور پیروزی خلقی است که بساط ننگین سلطنت پهلوی را برچیده و برای دستیابی به آرزوی دیرینه خویش قدمی به پیش گذارد. اگرچه پیشروی اش توسط نیروهای ارتجاعی و برخاسته ازگور تاریخ متوقف شد. اما خاطرات آن جنبش عظیم و شکوه و جلال مبارزات خلقهای ایران برای آزادی محو نشده و خود الهام بخش مبارزه دیگر گردید.

علاوه بر انقلاب شکوهمند بهمن، این ماه یادآور بزرگمردان انقلاب و نام آوران تاریخ میهن ماست. انسانهایی چون ارانی، قاسمی و سغانی که سراسر عمر با عزت و شرف خود را در راه خدمت به خلق طی کرده و در سرسودایی جز اهداف بزرگ انسانی خویش نداشته اند. بهمن ماه همچنین یادآور خاطره شاگردان مکتب ارانی و قاسمی و سپاهیان

بزرگ لنین، رفقای چون اقتدار منش و عرفانیان که درگرمای انقلاب ۲۲ بهمن اسلحه دردست و جان برکف به یادگانه‌های رژیم شاه هجوم آوردند و توسط مزدوران شاه درخون سرخشان غلطیدند. بهمن ماه، ماه درگذشت آموزگار و رهبر بزرگ کمونیست‌های جهان است. اگرچه تصادفی است که بهمن ماه با درگذشت لنین آغاز می‌شود، اما حقیقتی است که در پی آن شاگردان وفادار او ارانی (۱۴ بهمن - ۲۱ ژانویه)، قاسمی (۲۴ بهمن)، سغانی (۳۰ بهمن) و..... که در زندگی نیز راه آموزگار خویش را پیمودند، بدنبال او چشم از جهان فرو بستند. بزرگداشت بهمن، بزرگداشت خاطره کسانی است که در راه سعادت بشر و نیکبختی جامعه انسانی آگاهانه از همه چیز خود چشم پوشیدند، در مقابل ارتجاع و استبداد ایستادند و به وظیفه تاریخی انسان بودن جامه عمل پوشانیدند. یادآوری این مردان بزرگ به منظور الهام از آنهاست. یادآوری این مردان بزرگ احترام به اندیشه بزرگ و دورانسازی است که راهبر آنها بوده است، اندیشه فناپذیری که با مرگ افراد نمی‌میرد و گذشت زمان خلایقیت، کاربری و توانایی آن را نمی‌کاهد: اندیشه همیشه تازه مارکسیسم - لننیسم.

یادآوری بهمن ماه به منظور تجلیل از همه کمونیست‌ها و انقلابیونی است که هیچ تبلیغاتی قادر نیست آنها را محو کرده و از خاطره‌ها بزدايد. یادآوری این مردان بزرگ در عین حال پاسخ به آنهایی است که می‌کوشند تا بواسطه شرایط تاریخی ویژه ای که در اثر حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، اشاعه و تقویت افکار مذهبی و ضعف و پراکندگی کمونیست‌ها و حملات وقیحانه ارتجاع و بورژوازی جهانی به کمونیست‌ها و..... بوجود آمده، تمام مبارزه را به نام خود ثبت کرده و خود را پیشقراول مبارزات خلق بدانند و جای تأسف است که همین افراد در رابطه با تاریخ جنبش مقاومت ایران "روز شهیدان" را نیز که مصادف با سالروز شهادت دکتر تقی ارانی در قلب و جان هر مبارز آزادیخواهی به ثبت رسیده، به شیوه خویش تغییر داده و تاریخ دیگری ساخته اند. گویی که مبارزه تنها با آنها آغاز شده و جز آنها کسی در این راه قدمی برنداشته است!!

سراسر تاریخ چند دهه گذشته ایران با خون کمونیست‌های آزادیخواه و شجاعی چون حیدر خان عمواغلی‌ها، ارانی‌ها، سیامک‌ها، قدرت فاضلی‌ها، بابا پورسعادت‌ها، مجلسی‌ها، عباس گودرزی‌ها، حمید چیتگرها و هزاران کمونیست دیگر منقوش بوده و کمونیست‌ها اگر روز شهیدان، یا ۱۴ بهمن را گرامی می‌دارند در عین حال یاد همه کسانی را که علیه امپریالیسم و ارتجاع بپاخاسته اند را صرف نظر از هر تعلق گروهی و سازمانی گرامی داشته و آنرا الهامبخش پیکارهای مردم ارزیابی می‌نمایند.

## انقلاب بهمن و حاکمیت:

انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ موفق شد به سلطنت وابسته به امپریالیسم آمریکا در ایران خاتمه دهد و رژیم فاسد و منفور پهلوی را سرنگون کند. متأسفانه انقلاب بهمن بعلت ضعف ستاد پیشاهنگ طبقه کارگر، بعلت وجود رویزیونیست‌ها و خیانت آشکار آنها در سرکوب نیروهای انقلابی در تکامل خود به شکست منجر شد و به سزاشی میان اقصای مختلف بورژوازی ایران اعم از مذهبی و یا غیر مذهبی منجر گردید. حکومت ایران از نظر شکل یک حکومت مذهبی است که از مناسبات تولیدی حاکم که چیزی جز سرمایه داری نیست حمایت کرده و خواهان حفظ و بقاء آن است. بخش عمده این بورژوازی را بورژوازی تجاری تشکیل می‌دهد که نقش اساسی را در حکومت بعهده دارد. جناحیندهای مختلف بورژوازی را می‌توان به بورژوازی تجاری، بورژوازی صنعتی و بورژوازی بروکرات تقسیم نمود که مرتجع ترین بخش آن بورژوازی تجاری و حامیان بروکراتش است که تلاش دارند با تکیه بر اعتبارات دولتی و درآمد نفتی بصورت انگل به ثروت خود در ایران بیافزایند. تقلیل بهای نفت که به قیمت کاهش واردات و انتقال بار بحران به گرده زحمتکشان تمام می‌گردد به تشدید تضادها در درون جامعه ایران دامن زده و جناحی از بورژوازی را که بطور عمده بورژوازی صنعتی است طالب رفرفرم نموده است. رفرفرمی که باید جلوی اوج مبارزه در حال گسترش مردم را بگیرد. جناحی دیگر از بورژوازی که اساساً اهرمهای قدرت را در دست دارد و بنام حامیان "ولایت فقیه" معروفند با هرگونه اصلاحاتی مخالفند و ترجیح می‌دهند با ترور حکومت کنند. آنها اصلاحات را مفری برای نجات کل نظام نمی‌بینند. آنها ترجیح می‌دهند بر تجربه خود در سالهای ۱۳۶۰ تکیه کنند و موجی از وحشت در جامعه حاکم گردانند. نزاع جناحهای مختلف حاکمیت که نزاعی واقعی است و نه ساختگی باید از این نقطه نظر مورد توجه قرار گیرد. بخشهای مختلف حاکمیت در مجموع خواهان حفظ رژیم هستند. آنها می‌دانند که پس از جمهوری اسلامی جانی در جامعه ایران ندارند. بسیاری از مقامات کنونی در دست عناصری است که چه از نظر معلومات دانشگاهی و یا عمومی و یا استعدادهای شخصی در حداقل سطح ممکن قرار دارند و یک تحول بنیادی آنها را از مقامات نان و آبدار بر کنار می‌نماید. این است که بخشی از این بروکراسی ارتجاعی با چنگ و دندان از موقعیت خود با هر وسیله ای دفاع می‌کند. اکنون بدون شک ما وارد مرحله تهاجم نیروهای مردمی شده ایم. دوران تلاطمات سیاسی و اعتلاء جنبش اعتراضی و رو به افزایش مردم آغاز شده است. ....

باید درک کرد که مسایل خطیر آزادی سیاسی و مبارزه طبقاتی را سرانجام با نیرو می‌توان حل کرد. پس باید نیرومند شد، باید طبقه کارگر را به یک نیروی مستقل بدل نمود. باید راه رهائی را به وی نشان داد. **نقل از برنامه و اساسنامه حزب کار ایران (توفان)**

## سقوط “دیوار صهیونیستی برلن” در نوار غزه

چه اتفاقی در روز سه شنبه ۲۲/۰۱/۲۰۰۸ در نوار غزه روی داد؟ چرا سرنوشت “دیوار صهیونیستی برلن” به سرنوشت همه دیوارهای اسارت بدل شد؟ چرا امپریالیستهای “دموکرات” در مورد “دیوار صهیونیستی برلن” دم فرو بسته اند؟ خوب است قدری به عقب برگردیم.

مردم آواره و زیر ستم فلسطین که توسط صهیونیستها و امپریالیستها از سرزمین خویش رانده شده اند باید به زعم دشمنان بشریت که خویش را “مدرن” و “دموکرات” جا می زنند مجازات شوند. جرم میلیونها مردم فلسطین این است که در یک انتخابات آزاد و دموکراتیک با حضور نظار بین المللی از سیاست ارتجاعی و سازشکارانه محمود عباس در راس سازمان فتح روی گردانده و سازمان حماس را که خواستها و آمال مردم فلسطین را مطرح می کرد و برای کسب حقوق پایمال شده ملت فلسطین مبارزه می کرد انتخاب کردند. نتیجه این انتخاب دموکراتیک و آزاد برای “دموکراتهای مدرن” غیرقابل هضم بود. آنها دموکراسی را تا آنجا که به نفع آنهاست می پذیرند.

متعاقب پیروزی حماس در انتخابات آزاد و دموکراتیک و شاید اساسا آزادترین و دموکراتیک ترین انتخابات در طی تاریخ معاصر در منطقه دشمنان بشریت یعنی نژاپرستان صهیونیسم و امپریالیسم تصمیم گرفتند آنقدر مردم فلسطین را مورد عذاب و شکنجه قرار دهند تا تصمیم خود را عوض کنند. نخست بی شرمانه تهدید کردند برای ممانعت از عواقب سخت و ناگوار برای مردم فلسطین لازم است که انتخابات تجدید شود. در مقابل این استدلال گفته شد که چه تضمینی دارد که در انتخابات مجدد، مردم فلسطین مجددا به سازمان حماس رای ندهند و چه بسا تعداد بیشتری برای تودهنی به صهیونیستها به حماس رای داده و بکلی محمود عباس تسلیم طلب را به زانده صهیونیستها بدل کنند. پرسیده شد چندبار باید انتخابات را تجدید کرد تا نظر صهیونیستها و امپریالیستها برآورده شود؟ چنین نمایش مسخره ای که دیگر نظر مردم فلسطین نیست. دسیسه صهیونیستها در این بود که می خواستند هواداران عرفات را متهم کنند که نمایندگان آنان نماینده مردم فلسطین نیستند و باین جهت اسرائیلیهای “دموکرات” با آنها وارد مذاکره نمی شوند. آنها تبلیغ می کردند به محض اینکه در یک انتخابات دموکراتیک با نظارت نمایندگان مراجع بین المللی، نمایندگان واقعی مردم فلسطین انتخاب شوند آنها آن نمایندگان را برسمیت شناخته و آنها را طرف مذاکره خود می دانند. این دروغهای “دموکراتیک” با انتخاب حماس نقش بر آب شد. انتخاب حماس دست صهیونیستها و امپریالیستها و متحدین اپوزیسیون ایرانی آنها را در کشور ما گشود. وقتی صهیونیستها از این نقشه طرفی نبستند تصمیم گرفتند به یاری محمود عباس که اقلیتی اشرافی بیش نبود آمده و با کودتا همه قدرت را بدست گیرند. دسیسه کودتا علیه حکومت اکثریت، که هم در دولت و هم در مجلس اکثریت را داشت و نیازی به کودتا نداشت با شکست سختی روبرو شد، بطوریکه دارو دسته منفور محمود عباس فرار را بر قرار ترجیح داده و زیر نفوذ سازمان امنیت و پلیس اسرائیل در ساحل غربی اردن حکومت نظامی علیه اکثریت خلق فلسطین برقرار کردند. حماس از این مبارزه نیز سربلند بیرون آمد، زیرا نظر مردم فلسطین را نمایندگی می کرد و می کند.

اسرائیلیها با همدستی محمود عباس و برای تقویت وی در مقابل حماس بخش ناچیزی از زندانیان فلسطینی را آزاد ساختند و خواستند از این طریق آبرونی برای وی فراهم آورند. ولی پیشنهاد محمود عباس که مبنی بر آن تنها اسرای هوادار عباس آزاد شوند و نه مخالفین وی داغ تنگی است بر چهره وی زده شد و مردم فلسطین نیز این سیاست نفاق افکنانه و ضد فلسطینی را بخوبی شناختند. حال جنایتکاران جهانی دست بکار شدند تا میلیونها مردم فلسطین را به گروگان گرفته و زندانی کنند، از آب و نان، ابتدائی ترین مایحتاج زندگی آنها بکاهند تا در اثر فشار بیرونی در مقابل صهیونیسم سرتسلیم فرود آورند. خلقی به مجازات جمعی و جنایتکارانه محکوم شد. رسانه های گروهی ممالک “دموکراتیک” اروپا با سکوت شگفت آور بر این جنایت ضد بشری مهر تائید زدند. دست صهیونیستها را در کشتار مردم فلسطین باز گذاردند. آنها راه افتادند و تبلیغ کردند که اگر حکومت حماس مستقر شود در مغازه های مشروب فروشی را می بندد، حجاب اسلامی را رواج می دهد، معاشرت دختر پسر قبل از ازدواج ممنوع است، کافه های اینترنت تعطیل می گردد، خریدن وسایل جلوگیری از حاملگی تحریم خواهد شد، فیلمهای سینمایی و مطبوعات سانسور می شوند، آزادی بیان از بین می رود و در یک کلام حکومت الله مستقر می گردد. حکومت محمود عباس عکس آن است. در حکومت وی تنها فلسطینیها نوکر و وابسته به اسرائیل باقی می مانند ولی تا بخواهند می توانند عرق بخورند. ارتجاع جهانی که تا دیروز خودش از حکومتهای الله در جهان، چون به نفعش بود، دفاع می کرد بیکباره بیاد جدائی دین از دولت در فلسطین افتاده است. این حضرات “مدرن” برحکومت مذهبی صهیونیستی در اسرائیل چشم بسته اند و موزیانه کتمان می کنند که برای بقاء نظام سرمایه داری در سراسر جهان به تبلیغ مذهب مسیح پرداخته و تلاش دارند قوانین اساسی ممالکشان را و از جمله قانون اساسی اروپا را با روح مذهب مسیحیت، با این آفیون توده ها بیآفرینند و عجین کنند. تبلیغات آنها علیه حماس نه به علت مذهبی بودن و حتی اسلامی بودن این سازمان است. آنها با حماس نه از

جنبه اعتقادی بلکه از جنبه سیاسی مخالفند زیرا این سازمان قرارداد ارتجاعی اسلو را قبول نکرده است، «نقشه راه» آمریکاییها را که بیراهه ای بیش نیست نپذیرفته است. خواهان خروج بی قید و شرط اشغالگران اسرائیلی از سرزمینهای فلسطین است، هوادار هویت فلسطینی، خواهان دولت و کشور فلسطینی، وزارت امور خارجه مستقل فلسطینی، سفارتخانه های مستقل فلسطینی، مرزهای مستقل آبی، زمینی و هوایی فلسطینی، پلیس و ارتش فلسطینی، نظام مالیاتی فلسطینی، گذرنامه فلسطینی است. محمود عباس هیچکدام از این خواستها را قبول ندارد. گذرنامه آنها اسرائیلی است که در آنها تنها محل تولد شان را در فلسطین ذکر کرده اند. اینطور به نظر می آید که این فلسطینیها هستند که سرزمین اسرائیل را اشغال کرده اند!

رمز موفقیت حماس در مضمون خواستهای سیاسی و احترام به غرور و حیثیت ملت قهرمان فلسطین است که بیش از نیم قرن برای آزادی خویش می رزمند و نه در ماهیت اسلامی وی. کفایت از همین فردا سازمان حماس سخنان ارتجاعی محمود عباس را تکرار کند تا اعتبارش را در نزد مردم فلسطین از دست بدهد. تنها آزادی مردم فلسطین از یوغ صهیونیسم و امپریالیسم است که می تواند مبارزه طبقاتی را انکشاف بخشد و مانع شود که تضادهای طبقاتی تحت الشعاع مسایل میهنی قرار گیرند.

دولت اسرائیل با قطع آب و برق و نفت آخرین تلاش خویش را کرد تا میلیونها انسان را در زندانی بزرگ زنده بگور کند و دنیای مدرن و «دموکراتیک» غربی با خونسردی به این جنایت نظر افکند و سکوت کرد تا کی مردم فلسطین زنده بگور شوند. سازمان حماس از مدتها قبل در نظر داشت که حصارهای موجود میان مصر و نوار غزه را منفجر کند و راهی برای آزادی و تغذیه مردم فلسطین فراهم آورد. آنها می دانستند که دولت مصر قادر نیست با قوه قهریه جلوی صدها هزار انسان سرکوب شده، سرکوفت گشته، گرسنه و تشنه را که تنها جرمشان در بیان آزاد نظریه شان است بگیرند. سرکوب این مردم بدست سربازان مصری پایه های دولت مصر و سایر دول ارتجاعی عرب منطقه را متزلزل خواهد کرد و نتایج آن برای همه آنها وخیم است.

رسانه های گروهی جهان ناچار شدند از این هجوم انسانی پرده بردارند و این فاجعه بشری را به نمایش مردم جهان بگذارند. جهانیان با چشمان از حذقه در آمده دیدند که صدها هزار محکوم رژیم صهیونیستی برای تهیه آذوقه به شهر رفاه در صحرای سینا هجوم بردند، «دیوارهای صهیونیستی برلین» در نوار غزه را منفجر کردند و تا توانستند نوار غزه را از خواربار و آذوقه و این بار حتی از نظر تسلیحاتی و مالی پر کردند. اکنون مردم فلسطین در نوار غزه مسلحند و صهیونیستها کور خوانده اند که این بار می توانند با راحتی دیوار بزرگ زندان غیرقابل تسخیری بدور آنها بکشند.

مردم همه جهان از این اقدام قهرمانانه و از این ابتکار جالب سرخوشند. دسیسه های صهیونیسم و امپریالیسم در گرسنگی دادن به ملت فلسطین تا تسلیم شود با شکست روبرو شده است. مردم فلسطین در ساحل غربی اردن از این مبارزه مردم نوار غزه با جان و دل حمایت می کنند. دشمنان مردم فلسطین و سازشکاران بشدت منفعیل شده و بی آبرو گشته اند. این حرکت تاریخی مسلما نقش مهمی در منطقه بازی خواهد کرد. پس از شکست اسرائیل در لبنان این بزرگترین شکست صهیونیستها در سال جدید است. مردم فلسطین افکار عمومی مردم جهان را جلب کردند و دامنه بربریت صهیونیسم را به همه نشان دادند. محمود عباس رئیس دولت خودگردان فلسطین که بکلی غافلگیر شده بود بجای اظهار مسرت و بیان همدردی در روز پنجشنبه پیشنهاد سازمان حماس را مبنی بر تلاش مشترک برای گشایش دائمی مرز میان فلسطین و مصر را رد کرد تا مردم فلسطین مجددا در زندان اسرائیل زندگی کنند. بهانه وی این بود که حماس باید نخست به حکومت خود در نوار غزه پایان دهد! این در حالی بود که جرج بوش و ایهود اولمرت از دولت مصر قویا خواستند که با استفاده از قوه قهریه وضعیت صحرای سینا را به صورت سابق در آورد و فلسطینیها را زندانی کند تا شاید بزعم آنها مردم فلسطین نظریاتشان را بر ضد حماس و به نفع اسرائیل عوض کنند. امروز سازمان حماس با این اقدام به موقع از اعتبار بیشتری نسبت به سابق در میان مردم فلسطین و مردم عرب برخوردار است. این روش قاطعانه مبارزه علیه تجاوزکاران و اشغالگران و دشمنان بشریت همه نقاط ضعف و ماهیت بنیادگرائی این سازمان را تحت الشعاع قرار می دهد. این است که در درجه نخست برای مردم فلسطین این عوامل اهمیت دارند. برای آنها آزادی فلسطین اهمیت دارد، برای آنها غرور و حیثیت آنها اهمیت دارد.

**مرگ بر رژیم صهیونیستی و اشغالگر اسرائیل! زنده باد پیکار خلق فلسطین برای رهایی!**



هر چقدر بیشتر ارتجاع صهیونیستی و امپریالیستی ملت‌های جهان را تحت فشار قرار دهد، بخت بنیادگرائی اسلامی در شرایط ضعف جنبش طبقه کارگر و کمونیستی برای کسب رهبری جنبش‌ها بیشتر است. آن "سوپر انقلابی‌های" ایرانی که بجای حمایت از مبارزه مردم فلسطین و محکوم کردن سیاست صهیونیستها و امپریالیستها در گرسنگی دادن به میلیون‌ها انسان به بهانه وجود رهبری حماس در کنار ایهود اولمرت قرار می‌گیرند و یا با قتل عام میلیون‌ها فلسطینی موافقت و در مورد این جنایتهای بشری سکوت می‌کنند تنها ضد دموکرات نیستند همدست فاشیستها هستند.

**زنده باد مبارزه قهرمانانه خلق فلسطین بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم  
ما محاصره بربرمنشانه مردم فلسطین را که برخلاف همه موازین جهانی و با انگیزه کشتار جمعی  
صورت می‌گیرد عملی جنایتکارانه دانسته و آنرا محکوم می‌کنیم.**

## مضحکه انتخابات مجلس هشتم را تحریم کنید!

"انتخابات" مجلس هشتم اسلامی نزدیک است. "انتخاباتی" که فقط به اراده و تصمیم شورای نگهبان ولی فقیه است. در اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: "شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی‌ها را برعهده دارد."

شورای نگهبان نظارت خود را "استصوابی" تفسیر میکند و اختیار کامل در رد صلاحیت ویا تایید نامزدهای انتخاباتی دارد. از این رو "انتخابات" مجلس هشتم همانند "انتخابات" پیشین، نمایشی برای جبهه خودیهاست. در این مضحکه انتخاباتی دو جبهه، یکی اصول‌گرایان متشکل از جامعه روحانیت مبارز، حزب مؤتلفه اسلامی، جامعه اسلامی مهندسين، گروه آبادگران، جمعیت ایثارگران، حزب الله ایران، دارودسته علی لاریجانی، محسن رضایی... و دیگری جبهه "اصلاح‌طلبان" شامل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب کارگزاران سازندگی، جبهه مشارکت، حزب همبستگی، مجمع روحانیون مبارز، حزب اعتماد ملی، حزب اعتدال و توسعه... شرکت میکنند. این دو جناح به رغم رنگ و تطورات ائتلافی و اختلاف سلیقه بر سر برخی مسائل سیاسی اجتماعی اما در اساس و مبانی فلسفی هیچ اختلاف جدی بر سر حفظ نظام سرمایه‌داری و ارگانهای سرکوب آن ندارند. جناح "اصلاح‌طلب" که هم‌اکنون مردم را به شرکت در این نمایش انتخاباتی دعوت میکند و مضحکانه وعده تغییرات و اصلاحات را میدهد، سالهاست با عملکرد عوام‌فریبانه و ارتجاعی اش حساب پس داده و دیگر حنایش رنگی ندارد. جناح مدعی اصلاحات باهشت سال دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و صاحب بودن اکثر کرسیهای مجلس دوره ششم اما هیچ غلطی نکرد سرانجام با ساخت و پاخت با ولی فقیه و ماستمالی کردن وعده‌های انتخاباتی شریک و همدست علی خامنه‌ای در سرکوب مردم برای حفظ نظام جمهوری اسلامی گردید. جناح دوم خردادی نه می‌توانست و نه می‌خواست حرکتی خارج از منافع نظام برای مردم انجام دهد. شکست جناح دوم خرداد و رای اعتراضی مردم به این مرتجعین تجربه‌گرانهایی برای توده‌ها به همراه داشت و یک بار دیگر نشان داد که تغییرات اساسی به نفع مردم در چهارچوب نظام فاسد جمهوری اسلامی متصور نخواهد بود و توده‌ها دیگر کوچکترین اعتمادی به این مردم فریبان دروغگو و شارلاتان ندارند. کل نظام جمهوری اسلامی در نزد مردم ایران فاقد مشروعیت و فاقد صلاحیت برای اداره و رهبری کشور است. مردم از خود می‌پرسند رژیم که حتا به جناح خودیها رحم نمی‌کند و به رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی دست می‌زند وای به حال غیر خودیها که خواهان تغییر و تحولات بنیانی در جامعه اند و هیچ سرسازشی با دستگاه دیکتاتوری ولایت فقیه و هرم حکومتی اسلامی ندارند. پس شرکت در نمایش انتخاباتی که هیچ تأثیری بر زندگی مردم ندارد و انتخابات بمنظور تعیین قیم برای صغار و تنها موجب مشروعیت حکومت دزدان و غارتگران است، فاقد موضوعیت می‌باشد. تحریم انتخابات قلابی حد اقل وظیفه تک تک مردم ایران و بیان اعتراض به وضعیت اسفناک و غیر قابل تحمل موجود است. مردم می‌پرسند رژیم که هر روز حقوق اولیه کارگران را پامال میکند و نمایندگان آنها را به زندان می‌اندازد، دانشجویان را بشدت سرکوب میکند، به سرکوب خشن زنان در قالب مبارزه "برای امنیت اجتماعی" ادامه میدهد و در یک کلام هیچ وقعی به خواسته‌های انسانی و سوزان مردم نمی‌گذارد و عفریت فقر و گرانی سرسام آور حلقوم مردم را میفشارد، پس در چنین شرایطی شرکت در این نمایش انتخاباتی و رای دادن به این دزدان بی‌وجدان و اراذل و اوباش موضوعیتی نخواهد داشت. وقتی دهها نفر از مردم محروم و زحمتکش در اثر بارش برف و سرما و فقدان مسکن و امکانات اولیه جان می‌بازند و از سویی آقازاده‌ها با اتوموبیل‌های آخرین مدل و کاخ‌های سربه‌فلک کشیده ثروتهای عظیم مردم را غارت میکنند، شرکت توده‌ها در این نمایش انتخاباتی و رای به عاملین و کارگزاران این نظام

فاسد به معنای تایید و ضعیت دهشتناک کنونی است و موضوعیتی نخواهد داشت. به این نمایش باید نه گفت و وسیعاً آن را تحریم کرد.

اما تحولات منطقه و خیره شدن انظار جهان به تحولات ایران موجب شده که اینبار نیز رژیم برای حفظ ظاهر به تکاپو افتد و پای مردم را بمیان بکشد و به نقش آنها در "انتخابات اهمیت دهد. طبیعتاً تاکتیکهای متنوعی درگرم نگاه داشتن تنور رقابت انتخاباتی و زد و بندهای پشت پرده درپیش است تا مردم را به نتایج این نمایش و آینده خوشبین گردانند. اینبار نیز می خواهند مردم را بین انتخاب و با و طاعون قرار دهند و با تهدید و ارعاب و پخش کوپن خواربار و توسل به فریب مردم شرکت آنها را به مثابه مشروعیت "دموکراتیک" نظام در انظار جهانی توجیه کنند.

بی تردید مردم این رژیم ضد مردمی و فاسد را نمی خواهند و تحریم انتخابات بیان روشن بیزاری از رژیم یعنی آرزوی سرنگونی آن است. این نمایش انتخاباتی باید وسیعاً و بطور فعال تحریم گردد و مردم را از رفتن به پای صندوقهای رای برحذر داشت. بگذاریم روز انتصابات، روز بی آبرویی رژیم جمهوری اسلامی، روز ترس از مرگ وی باشد. عدم شرکت مردم در "انتخابات" و بسیج و سازماندهی توده ها در این مسیر، چشم انداز جدیدی در فردای شکست رژیم فراهم میکند. هر جریان سیاسی که تحت هر بهانه ای مردم را به شرکت در این انتصابات دعوت کند به همدست کار بدستان ولایت فقیه و شورای نگهبان بدل میشود و به طولانی شدن عمر منحوس جمهوری اسلامی یاری می رساند.

عده ای از جمله نهضت آزادی ایران راه حل اجرای یک انتخابات آزاد و دموکراتیک را بر نظارت بین المللی بر انتخابات پیشهاد میدهند. اینان یا نادانند و یا عوام فریب و عامل امپریالیسم که از نقش توده ها و انقلاب وحشت دارند و همواره کوشیده اند از بالای سر توده ها و زد و بند با امپریالیسم حاکمیت ارتجاعی خویش را بر مردم تحمیل کنند. نظارت بین المللی بر انتخابات دخالت در امور داخلی مردم ایران است و پای امپریالیسم رارسمایران برای توطئه و خرابکار و به انحراف بردن مبارزات مردم باز میکند. از طرفی آیا تجربه نظارت بین المللی بر انتخابات دموکراتیک فلسطین و پیروزی سازمان حماس و سپس دبه در آوردن امپریالیستها و تحریم و گرسنگی و تشنگی دادن مردم به خاطر رای دادن به آلترناتیو مورد پسند خویش، کافی نیست تا از بازی نظارت امپریالیستی بر انتخابات درس بگیریم؟

سرنوشت مردم ایران تنها با اتکا به نیروی خویش و در متن مبارزه طبقاتی خود مردم بویژه کارگران و زحمتکشان تعیین میگردد. تنها با پیکاری نقشه مند، صبورانه و طولانی است که می توان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را بر انداخت و نظامی مستقر گردانید که حافظ منافع توده های مردم باشد. تحریم فعال و گسترده این "انتخابات" در راستای تحقق چنین نظامی صورت میگیرد.

**نه به انتخابات ضد دموکراتیک مجلس هشتم جمهوری اسلامی!**  
**سرنگونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی فقط بدست مردم ایران!**

**پیش بسوی تحریم انتخابات قلابی مجلس هشتم اسلامی!**